

سی سال کاریکاتور

سیدامیر سقراطی

وقتی از کاریکاتور بعد از انقلاب گفته می‌شود، نگاه‌ها متوجه دوسالانه تهران می‌گردد و نوک پیکان بحث‌ها به سمت پایتخت کاریکاتور نشانه می‌رود! گویا مسائلی ریزودرشت و ییدوپنهان کاریکاتور ایران، زیر عنوان درشت و پرطمطراق دوسالانه بین‌المللی تهران، رنگ می‌بازد. پیشتر - تا همین دوسالانه ششم - این جشنواره محملی برای گفت‌وگو درباره کاریکاتور بود که پس از این دوره و جایگزین شدن مراسم تجلیل از پیشکسوتان به جای برگزاری همایش کاریکاتور، بساط تحقیق و پژوهش درباره کاریکاتور از دوسالانه برچیده شد. در همان زمان گفته شد، کتاب سلسله همایش‌ها - که از دوسالانه دوم آغاز شده بود - منتشر خواهد شد؛ وعده‌ای که هرگز عملی نشد.

کاریکاتور در ایران روزهای سختی را می‌گذراند. بسیاری رکود و تکرار را آسیب جدی آن می‌دانند. در عوض، در نقطه مقابل هستند کسانی که به پایتختی کاریکاتور دنیا دلخوشند و جایزه‌های ریزودرشت کاریکاتوریست‌های ایرانی را دلیل رونق این هنر می‌دانند. این اختلاف دیدگاه از آنجا سرچشمه می‌گیرد که اساساً کاریکاتور ایران اهل گفت‌وگو نیست. کاریکاتوریست‌های ایرانی هیچ وقت به یاد ندارند که به طور جدی در کنار هم نشسته و با هم بر سر مسائل اصلی و اساسی این هنر گفت‌وگو کرده و به نتیجه‌ای رسیده باشند. به همین دلیل است که از حال یکدیگر بی‌خبرند و در بزنگاه‌هایی که نیاز به حمایت و همدلی یکدیگر دارند، غایب و غافل‌اند. به همه اینها برخی از سوء تفاهم‌ها را اضافه کنید که بدنه کاریکاتور امروز ایران از آن رنج می‌برد.

نسل جدیدی که می‌آید، از نحوه به عرصه رسیدن کاریکاتور معاصر ایران بی‌خبر است؛ کاریکاتورهای انقلاب و جنگ را ندیده است و از گاهنامه‌های جواد علیزاده در دهه ۶۰، که یک نسل را در دهه ۷۰، به سوی کاریکاتور کشاند، بی‌اطلاع است. کاریکاتورهای مطبوعاتی روزنامه‌ها و کاریکاتورهای فکاهی نشریات طنز را بی‌اعتبار می‌پندارد و کاریکاتورهای طنز سیاه را تاریخ گذشته می‌انگارد. در چنین زمانه‌ای که کاریکاتور برای خارج نشدن از مسیر اصلی‌اش نیاز به بازخوانی اتفاقات و رخ داده‌های تاریخ کاریکاتور ایران دارد، جای خالی پژوهش و نقد بیش از پیش دیده و احساس می‌شود. این خلأ حالاً‌حالاها پر نخواهد شد؛ چون به همان میزان که، در سه دهه اخیر، کاریکاتور ایران به لحاظ تکنیکی و محتوایی رشد چشم‌گیری داشته، اما به لحاظ تربیت نیروی محقق و پژوهشگر هیچ اقدام درخور و شایسته‌ای نکرده است.

پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی کدام کتاب پژوهشی از تاریخ کاریکاتور ایران تدوین و گردآوری شده است؟ چه سند معتبر و درخور اهمیتی در حوزه کاریکاتور - در قالب کتاب - از سوی کاریکاتوریست‌ها منتشر شده است که بتوان با آن به رهیافتی نقدانه و آسیب‌شناسانه دست یافت؟ جز مواردی معدود و محدود، که تمام کلیت این هنر پراعتبار را در بر نمی‌گیرد، سندی نه برای آیندگان، که برای همین ماندگان در وادی پرشور کاریکاتور بر جای نگذاشته‌ام!

پرونده پیش رو، صرفنظر از پرداختن به مباحث آسیب‌شناسی و گره‌های پژوهشی، بابتی گشوده بر آغاز یک گفت‌وگوست؛ گفت‌وگوی کاریکاتوریست‌ها با یکدیگر، که امیدوارم با تحمل اندیشه مخالف، روحیه نقدپذیری و مدارا در جامعه کاریکاتور گسترش یابد. کاری که فقط با گفت‌وگو امکان‌پذیر است.

کارتون مطبوعاتی، پایگاه اصلی کاریکاتور

جواد علیزاده

چون دوستان سؤال مشخصی از من نکرده‌اند، از این رو جواب‌های من هم کمی نامشخص و متفاوت است. علت پراکنده‌گویی‌های من و از این شاخه به آن شاخه پریدن، همان است که در ابتدا گفتم، امیدوارم توضیحاتم به درد تندیس و کلاً به درد کاریکاتور ایران بخورد!

کاریکاتور در دوران انقلاب

چون این شانس را داشتم که در روزهای حماسه‌آفرین انقلاب، به عنوان کاریکاتوریست ثابت کیهان، در این رسانه حضور داشته باشم و پیام انقلاب را، در قالب طرح و کاریکاتور، در ستون آخر روزنامه منعکس کنم (بعدها ستون اختصاصی کاریکاتور دیگر مطبوعات از همان ستون کیهان شکل گرفت)، از این رو، کارهایی که در آن دوران از من و برخی از همکاران در روزنامه‌ها چاپ می‌شد - چه از نظر تکنیک و چه از نظر محتوا - بهترین ویژگی‌ها را داشت و دوران انقلاب دوران اوج و شکوفایی و خلاقیت کاریکاتور ایران بود.

کاریکاتور در دوران جنگ

چون در زمان جنگ در نشریه فکاهيون مشغول به کار بودم و به اتفاق همکارانم کاریکاتورهای با موضوع جنگ می‌کشیدم - البته، تا اینجا امری عادی است - این آزادی را داشتم که گه گاهی انتقادهایی از شرایط اقتصادی جامعه و سوء استفاده‌های برخی از کسبه - علی‌رغم شرایط جنگ - در آثارم مطرح کنم. در آن دوره، گاهنامه‌ای با عنوان طنز موشکی منتشر کردم که در کنار کاریکاتورهای ضد صدام و ضد جنگ بخشی را هم به کاریکاتورهای با موضوع منفعت‌طلبی برخی از افراد سودجو و فرصت‌طلب در پشت جبهه اختصاص داده بودم؛ برای مثال، با افزایش موشک‌باران شهرهای ایران، آنها هم نرخ کالاهاشان را افزایش می‌دادند! اگر در همان زمان مقایسه‌ای با کشور درگیر جنگ ایران یعنی عراق صورت می‌گرفت، بعید به نظر می‌رسید که در زمان صدام نشریات کاریکاتوری با موضوع جنگ و انتقاد از مسائل پشت جبهه اجازه چاپ داشته باشند.

کاریکاتور در دوران فعلی

همان طور که بارها گفته‌ام، کاریکاتور ایران در بخش کارتون‌نمایشگاهی به پیشرفت قابل توجهی از نظر کمی و کیفی دست یافته است. آمار بالای شرکت کنندگان ایرانی در نمایشگاه‌های خارجی و کثرت برگزاری نمایشگاه‌های داخلی نشانگر این واقعیت است. فقط مشکل اینجاست که در کارتون‌مطبوعاتی، که پایگاه اصلی کارتون در هر جای دنیاست، در کشور ما همگام با کارتون‌نمایشگاهی رشد نکرده است. معمولاً در هر جای دنیا کاریکاتوریست‌ها ابتدا در مطبوعات کار می‌کنند و تجربه سوزهایابی و مهارت‌های فنی به دست می‌آورند، سپس در نمایشگاه‌ها حضور می‌یابند. اما در کشور ما این روند برعکس است. کاریکاتوریست‌ها از همان ابتدا از طریق شرکت در نمایشگاه‌های خارجی شروع به کار می‌کنند که طبعاً با دروس‌های کمتری هم روبه‌رو می‌شوند. در عوض، مخاطبان داخلی کاریکاتور را از دست می‌دهند. علت عدم رشد کاریکاتور مطبوعاتی در کشور به نبود امنیت شغلی و تضمین شغلی در این حرفه، نبود حق‌الزحمه و دستمزدهای مشخص در مطبوعات برای کاریکاتور و نبود حامی مشخص برای کاریکاتوریست، در صورت بروز مشکل و سوء تفاهم و ... برمی‌گردد. البته، نحوه رقابت گاهی هم زیاد جالب نیست و متأسفانه گاهی برخی تنگ‌نظری‌ها از سوی بعضی همکاران پیش از همه به ضرر خود کاریکاتوریست‌ها تمام می‌شود! بحث عدم رشد نشریات کاریکاتور بخش خصوصی در کشور هم از معضلات گریزناپذیر کاریکاتور ایران است. دولت اگر هدفش حمایت از خصوصی‌سازی است، باید در زمینه ایجاد تسهیلات و یارانه برای نشریات کاریکاتور بخش خصوصی اقدامات لازم و جدی به عمل آورد. وقتی نهادها و مراکز کاریکاتور خصوصی در کشور فعال باشند، کاریکاتور متنوع‌تر و کاریکاتوریست‌های خلاق‌تر در این عرصه پدید می‌آیند، آن وقت فضای کاریکاتور حالت متنوع‌تری به خود می‌گیرد و کاریکاتور ایران به چند نام و چند سلیقه محدود و کلیشه‌ای، خلاصه نمی‌شود.

خلاقیت در کاریکاتور

در اینجا لازم است موضوع دیگری را ذکر کنم و آن پایان‌ناپذیر بودن سوزده کاریکاتور برای کاریکاتوریست‌های خلاق است. متأسفانه، به علت بروز برخی تشابهات در سوزده، که ممکن است به علت خطای حافظه کاریکاتوریست‌ها یا به علت توارد رخ دهد، بعضی از کاریکاتوریست‌های بدبین این مسأله را بزرگ‌نمایی کرده و مدعی شده‌اند، همه کاریکاتوریست‌ها در حال کپی کردن از روی دست یکدیگرند و اینان خودشان را قاضی‌القضات کاریکاتوریست‌ها پنداشته‌اند و این وظیفه را به خودشان محول کرده‌اند که مدام میج کاریکاتوریست‌ها را بگیرند! برخی هم به تبلی ذهن مبتلا شده‌اند. ممکن است با دسته مذکور تفاوت داشته باشند، اما آنها هم به نوعی دیگر از بدبینی مبتلا هستند و معتقدند: علت پیدایش سوزده‌های تکراری این است که سوزده‌های کاریکاتور ته کشیده است - که این حرف اصلاً درست نیست. مگر در این جهان متکثر و متنوع، که هر روز آدم‌های جدیدی با ریخت و قیافه جدید متولد می‌شوند و در این جهان چندمیلیاردی، که هیچ دو نفری شبیه به هم نیست، می‌توان مدعی بود، روزی شعر، ملودی، فیلم‌نامه، ادبیات یا کاریکاتور به پایان برسد؟ ابتدا، اساس خلاقیت بر تکثر و تنوع بنا شده است و برای کاریکاتوریست‌های خلاق به تعداد مردم جهان سوزده برای کار کردن وجود دارد. باید دیدی ظریف و خلاق داشت و به دنبال نوآوری و نوجویی بود.

